



## ماجرای جراحی بدون بی‌هوشی استاد اخلاق تهران/نقش آیت‌الله خوانساری در پیروزی انقلاب

آیت‌الله سیداحمد خوانساری احتیاج به عمل جراحی داشت و چون سالخورده بود، تحمل جراحی بدون بی‌هوشی نیز ممکن نبود، پیش از آنکه عمل جراحی آغاز شود، وی اجازه بی‌هوش کردن را به پزشک نداد!

آیت‌الله سیداحمد خوانساری احتیاج به عمل جراحی داشت و چون سالخورده بود، تحمل جراحی بدون بی‌هوشی نیز ممکن نبود، پیش از آنکه عمل جراحی آغاز شود، وی اجازه بی‌هوش کردن را به پزشک نداد!

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه **خبرگزاری فارس**، در 27 ربیع‌الثانی سال 1405 هجری قمری بزرگمردی از عالم شیعه پس از 96 سال زندگی پر برکت چهره در خاک فرو بست، با انتشار خبر رحلت آیت‌الله سیداحمد خوانساری، حضرت امام خمینی(ره) پیامی منتشر کرد و حوزه‌های علمیه به مدت یک هفته تعطیل شد، شهر تهران که در غم از دست دادن استاد اخلاق خود در سوگ و ماتم بود، بازارش سه روز تعطیل شد، در نهایت پیکر مطهر این عالم ربانی با حضور خیل کثیر مردم عاشق در جوار حرم حضرت معصومه(س) آرام گرفت. مرحوم آیت‌الله سیداحمد خوانساری از ساداتی است که با سی تبار به امام موسی کاظم(ع) می‌رسد، در واقع یکی از فقهای نامدار شیعه در قرن چهاردهم هجری است، وی مدتی در شهر تهران امام جماعت مسجد سیدعزیزالله در بازار شهر را بر عهده داشت، درباره چگونگی حضور وی در تهران این گونه بیان شده است: پس از درگذشت آیت‌الله یحیی سجادی امام جماعت مسجد سید عزیزالله، جمعی از مردم شهر تهران از آیت‌الله العظمی بروجردی تقاضا می‌کنند که یک شخصیت بزرگی را برای امام جماعت مسجد معرفی کند تا علاوه بر اقامه نماز به امور دینی مردم هم بپردازد، آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله سید احمد خوانساری را معرفی می‌کند و این گونه می‌شود که پایتخت شاهد حضور مردی از تبار عارفان می‌شود. **\*جراحی بدون بی‌هوشی**وی نزدیک نماز ظهر از وسط بازار با آن چهره متواضعانه بدون هیچ تشریفاتی عبور می‌کرد و مردم بازار تحت تاثیر ایشان کرکره‌های مغازه را پایین می‌کشیدند و همراه با آن سید جلیل‌القدر راهی مسجد سیدعزیزالله می‌شدند. وی که نزد تهرانیان به «مرجع متقین» معروف بود، در عین مظلومیت و کمرو بودنشان بسیار زاهد و با تقوا بود، به حدی که پس از فوت جاسنوز آیت‌الله بروجردی، امام خمینی(ره) به آیت‌الله سیداحمد خوانساری پیشنهاد می‌دهند به قم بازگردد و به مرجعیت شیعه قوام ببخشد. درباره یکی از کرامات آیت‌الله سیداحمد خوانساری نقل شده است: وی بیماری زخم معده داشت که احتیاج به عمل جراحی داشت، از طرفی وی سالخورده و از لحاظ جسمی ناتوان بود و تحمل جراحی بدون بی‌هوشی نیز ممکن نبود، پیش از آنکه عمل جراحی آغاز شود، وی اجازه بی‌هوش کردن را به پزشک نداد-چون به نظر ایشان در وضعیت بی‌هوشی، تقلید مقلدینشان دچار اشکال می‌شد- از این رو به پزشکان معالج گفت: هر گاه من مشغول قرائت سوره مبارکه انعام شدم، شما مشغول عمل شوید، من توجه‌ام به قرآن است و در این صورت هیچ مشکلی پیش نمی‌آید- وی آن چنان به قرآن توجه پیدا می‌کرد که احساس درد نمی‌کردند- همان طور هم شد و با تمام شدن عمل جراحی، قرائت سوره مبارکه انعام نیز به پایان رسید! (هزار و یک حکایت اخلاقی، محمدحسین محمدی) با این وجود آیت‌الله سیداحمد خوانساری در نهضت امام خمینی(ره) نقش فعالی داشت، به گونه‌ای که در جریان تبعید امام(ره) همراه با سایر علمای شهر قم نسبت به این اقدام اعتراض کرد، در بیانیه‌ای که وی به مناسبت تبعید امام به ترکیه نوشت، این چنین آمده است: «حوادث اسف‌آور یکی دو روز اخیر که منجر به قتل و جرح یک عده مردم بیگناه و توقیف حضرت آیت‌الله خمینی(ره)، و آیت‌الله قمی و دیگر آقایان عظام شده است، موجب کمال تأثر و تأسف حقیر گردید با کمال تعجب مشاهده می‌شود مسئولین امنیت کشور با نهایت گستاخی حضرات آقایان مراجع عظام و علمای اعلام دامت برکاتهم را موافق اموری که مبنایت آن‌ها با شرع مطهر محرز و مکرر تذکر داده شده است، جلوه می‌دهند، حقیر در این موقع حساس، لازم می‌دانم اولیا امور را متذکر سازم، انجام این گونه اعمال ضد انسانی نسبت به حضرات علمای اعلام و قتل و جرح مردم بی پناه، نه تنها موجب رفع غائله نخواهد بود، بلکه جز تشدید امور و ایجاد تفرقه و وخامت اوضاع، اثر دیگری نخواهد داشت، موجب کمال تأسف است که باید حریم مقدس اسلام و روحانیت از طرف اولیای امور این چنین مورد تجاوز قرار گیرد...». فعالیت‌های انقلابی این عارف‌بالله تا پیروزی انقلاب اسلامی تداوم و ادامه داشت، به گونه‌ای که با ورود امام(ره) به مدرسه علوی تهران با وجود کهولت سن در حالی که نود سالگی خود را پشت سر می‌گذاشت، به حضور امام(ره) شتافت. امام خمینی(ره) در پیامی به مناسبت درگذشت آیت‌الله سیداحمد خوانساری فرمود: «این عالم جلیل بزرگوار و مرجع معظم که پیوسته در حوزه‌های علمیه و مجامع متدینه مقام رفیع و بلندی داشت و عمر شریف خود را در راه تدریس و تربیت و علم و عمل به پایان رساند، حق بزرگی بر حوزه‌ها دارد، چه اینکه با رفتار و اعمال خود و تقوا و سیره خویش، پیوسته در نفوس مستعد، مؤثر و موجب تربیت بود».